

ایران پس از انقلاب اسلامی

جلد ششم

رخدادهای تابستان ۱۳۵۹

سید روح‌الله امین آبادی



خبرگزاری فارس
FARS NEWS AGENCY
معاونت آموزش و پژوهش
اداره کل پژوهش

عنوان پدیدآورنده: ایران پس از انقلاب/روح‌الله امین آبادی؛ [برای] خبرگزاری فارس، معاونت پژوهش و آموزش، اداره کل پژوهش؛ ترجمه گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس. مشخصات نشر: تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲ - مشخصات ظاهری: ج.

[illegible]

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبیا).

ج. ۳-۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیفا).

ج. ۶-۸ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیفا).

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

مندرجات: ج. ۱. رخدادهای بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۵۸ - ج. ۲. رخدادهای تیر ۵۸ الی شهریور ۵۸ - ج. ۳. رخدادهای پاییز ۱۳۵۸ - ج. ۴. رخدادهای زمستان ۱۳۵۸ - ج. ۵. رخدادهای بهار ۱۳۵۹

های تأیستان ۱۳۵۹ - ج. ۷. رخدادهای باطن ۱۳۵۹ - ج. ۸. رخدادهای زمستان ۱۳۵۹

موضوع: ایران — تاریخ — انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ — پوشش مطبوعاتی

موضوع: ایران — تاریخ — جمهوری اسلامی. ۱۳۵۸ — یوشن مطبوعاتی

به این روش: خمرگزاری فارس، اداره کل بهداشت

المزودة، خريزاري فارس، گروه میراث ملی

الفزودى حمزه زارى فارسى

DSR1084 / AT-10

ی دیویس : ۹۵۵۸۳

٧٢٩٢٧ مله



ایران پس از انقلاب اسلامی (جلد ششم)

رخدادهای تابستان ۱۳۵۹

نویسنده: سید روح الله امین آبادی/ویراستار: حکیمه آذرافرا
صفحه آرا و طراح جلد: محمد مراد سهرابی
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷/لیتوگرافی و چاپ: مدیران/شماره ۱۰ جلد
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان/تهران، ضلع شمال شرقی تقاطع خیابان
انقلاب و حافظ، کوچه شهید سعیدی، بن بست حکیم،
معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، واحد انتشارات

تلف: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۶۶۹

<http://book.farsnews.ir>

publications@farsnews.ir

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هرگونه استفاده از مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است

مقدمه

با استعانت از بی‌شمار ربوبی، جلد ششم مجموعه «ایران پس از انقلاب اسلامی» آماده انتشار گردید. بیش از این مجلدات یک تا پنج این مجموعه که به رویدادهای روز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تا پایان بهار ۱۳۵۹ می‌پرداخت به زیور طبع آراسته گشته و اینک گام ششم این مجموعه به بررسی روزانه رویدادها و تحولات سهم تابستان ۱۳۵۹ می‌پردازد.

تابستان ۱۳۵۹ در خود حوادث و رویدادهای مهم را جای داده است. از کودتای نافرجام و خطرناک نوژه تا چالش نظام نوپای جمهوری اسلامی بر سر تعیین نخست‌وزیر و مهم‌تر از همه آغاز جنگ تحمیلی ایران علیه ایران اسلامی.

در مرداد ۱۳۵۹ همین سال، آخرین شاه ایران مرد تا با خود آرزوی بازگشت به سلطنت را به گور ببرد.

انتخاب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به ریاست نخستین مجلس شورای اسلامی از دیگر رویدادهای این دو ماه بود.

در مقدمه این نوشتار می‌کوشیم به‌طور مختصر به این رویدادها که شرح تفصیلی آنها در متن کتاب آمده است بپردازیم.

کشف و خنثی سازی کودتای نوژه

هر چند که شکست امریکا در صحرای طبس موجب شد تا مقامات این کشور به طور موقت اندیشه عملیات نظامی علیه کشورمان را از سر بیرون کنند، اما این حادثه باعث نشد تا امریکا طرح های خرابکارانه خود را متوقف کند. بلکه حمایت مستقیم از ضدانقلابیون و تحریک آنان و همچنین پشتیبانی رژیم بعث عراق، در مرحله پس از شکست کودتا در دستور کار آنان قرار گرفت.

برخی که انسانان کشورمان معتقدند که پس از شکست امریکا در حمله نظامی به طبس دو اهکار برای جبران این مسئله از سوی مقامات کاخ سفید در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

- ۱- انجام یک کودتای نظامی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با همکاری فرماندهان سابق ارتش رژیم شاهنشاهی، نیروهای ساواک، گروه های ضدانقلاب، متحدین امریکا در منطقه و از طریق دریافت کمک های مالی، نظامی و فنی امریکا.
- ۲- تحریک یک کشور ثالث به طرح ریزی حمله نظامی و تجاوز گسترده به خاک جمهوری اسلامی ایران.

مؤیداتی برای اثبات این نظریه وجود دارد. از یک سو برخی مقامات امریکایی در خاطرات یا اظهارات خود با ظرافت به این مسئله اشاره کرده اند؛ از جمله برژینسکی - مشاور امنیت ملی کارتر - به بحث های خود با کارتر، رئیس جمهور وقت امریکا و دیگر اعضای کابینه وی درباره لزوم انجام دادن یک عملیات تلافی جویانه در صورت شکست توطئه طبس اشاره کرده و می گوید: «براون (وزیر دفاع امریکا) و ترنر (رئیس سازمان سیا) با عملیات تلافی جویانه در صورت شکست مأموریت نجات موافق بودند ... در هر حال، در پایان این

گفت‌وگوها به ما اجازه داده شد طرح‌هایی را برای عملیات تلافی‌جویانه در نظر بگیریم. ولی تصمیم اجرای این نقشه‌ها به بعد مؤکول شد».

همچنین اعترافات برخی سران دستگیرشده کودتای نوژه نیز نشان‌دهنده آن است که بحث تقدم و تأخر این دو توطئه در میان طراحان و استراتژیست‌های امریکایی مطرح بود و سرانجام قرار شد طرح کودتا که کم‌هزینه‌تر، مؤثرتر و سریع‌تر می‌باشد، اجرا شود و در صورت شکست آن، راه‌حل طولانی‌تر و پرهزینه‌تر تحمیل جنگ؛ مورد استفاده قرار گیرد.

به‌عنوان مثال، در اعترافات یکی از این افراد می‌خوانیم: «پس از سفر بنی عامری [یکی از سران کودتا] به پاریس، طرح حمله عراق به ایران در تقدم دوم قرار گرفت و انجام کودتای نظامی به‌عنوان اولویت اول، در صدر برنامه‌های امریکا، قرار داده شد».

علاوه بر این، دولت امریکا «در بحبوحه پیروزی انقلاب، یعنی در روز ۲۲ بهمن» نیز تلاش کرده بود تا یک کودتای نظامی را علیه انقلاب اسلامی ساماندهی کند.

برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر که بیش از تمامی همکاران، رئیس‌جمهور امریکا به استفاده از روش‌های تند و خشن علیه انقلاب ایران علاقه مند بود، در بحبوحه انقلاب و درحالی‌که سولیوان -سفیر امریکا در ایران- در تلاش برای نجات پرسنل نظامی این کشور در تهران از محاصره بود، با وی تماس گرفته و خواستار اظهارنظر سولیوان در این مورد شد. نظرات وی در این زمینه خواندنی است. «نهایت خشم و عصبانیت من در این مکالمه موقعی بود که گفته شد برژینسکی درباره امکان ترتیب دادن یک کودتا برای استقرار یک رژیم نظامی به‌جای حکومت در حال سقوط بختیار، از من نظر می‌خواهد. این فکر و این سؤال در آن شرایط به قدری سخیف و نامعقول بود که بی‌اختیار مرا به ادای

یک کلمه زشت دربارهٔ برژینسکی وادار ساخت».

سولیوان سرانجام به دنبال اصرار مقامات واشنگتن با رئیس مستشاران نظامی امریکا در تهران که در محاصرهٔ نیروهای انقلابی بود، تماس می‌گیرد و نظر خود را این چنین اعلام می‌کند: «در شرایط فعلی شانس موفقیت یک کودتای نظامی فقط پنج درصد است». اما برژینسکی خیال کودتا را کنار نمی‌گذارد و اندکی پس از پیروزی انقلاب با ژنرال هایزر که تا چند روز قبل از پیروزی انقلاب، برای ساماندهی ارتش شاهنشاهی در تهران به سر می‌برد، تماس می‌گیرد و از او سؤال می‌کند که آیا مایل است برای انجام دادن یک کودتای نظامی به تهران برگردد؟ هایزر نیز چنین پاسخ می‌دهد: «وضعیت فعلی ایران را با توجه به اینکه افراد ارشد در زندان هستند، بسیار وخیم می‌دانم. به این جهت اجرا کردن برنامه کودتا فعلاً بی‌سر است». اما برژینسکی علاقهٔ شدیدی به کودتا نشان می‌داد ... گفتم تحت شرایطی می‌توانم این را انجام دهم که به مقدار نامحدودی پول نیاز خواهد بود. باید در حدود ۱۰ تا ۱۲ ژنرال امریکا را با خودم ببرم و به ده هزار نفر از بهترین سربازان امریکایی نیاز دارم. حمایت همه‌جانبه و متحد کشور نیز لازم است».

این اظهار نظر موجب می‌شود تا برژینسکی به فکرانش در آن مقطع فکر کودتا را از سر به در کنند. اما به دنبال واقعهٔ تسخیر خانهٔ جاسوسی و شکست عملیات نجات در طبرس و تحقیر شدید وجههٔ امریکا در جهان این فکر بار دیگر در ذهن سردمداران کاخ سفید جوانه زد و تماس‌هایی با شاپور بختیار در پاریس برای هدایت کودتای نوزده به عمل آمد. در همین زمینه سفیران امریکا و انگلیس در فرانسه با بختیار ملاقات و چگونگی اجرای کودتا، تاریخ وقوع و تقدم آن نسبت به طرح‌های دیگر را مشخص می‌کنند.^۱

۱- ری کودتای نوزده حقارتی دیگر برای امریکا، خبرگزاری فارس، ۱۸ تیر ۱۳۹۱ و همچنین برای مطالعه

جزئیات رویدادهای مربوط به کودتای نوژه و شکست آن را در متن کتاب مطالعه کنید.

محمدعلی رجایی نخست وزیر شد

بالاخره پس از دو ماه در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۵۹ تصویب اعتبارنامه نمایندگان به پایان رسید و در همان تاریخ ابوالحسن بنی صدر، نخستین رئیس جمهور، رسماً تشریف و سوگند را به جای آورد.

از این روز همه منتظر بودند که بنی صدر ظرف یکی دو روز آینده نخست وزیر را معرفی کرده و به این ترتیب نهادهای جمهوری اسلامی مصرح در قانون اساسی تشکیل را تکمیل گردد.

بنی صدر در این مرحله در یک اقدام فریبکارانه در نامه‌ای به امام خمینی، سید احمد خمینی، فرزند امام را برای تصدیق نخست وزیری معرفی می کند به این امید که از نخست وزیر معرفی شده از سوی حزب جمهوری اسلامی یعنی جلال الدین فارسی رهایی یابد و یا در صورت غایت احتمالی نمایندگان ملت، بر روی اختلاف مجلس و بیت امام تمرکز کند. ربنی - حضرت روح الله با هوشمندی مثال زدنی با پیشنهاد بنی صدر مخالفت می کنند.

بنی صدر در گام دوم می خواهد مصطفی میرسلیم را به عنوان نخست وزیر معرفی کند. ولی این بار نیز نظر مجلس منفی است.

به هر حال پس از افت و خیزهای فراوان ابوالحسن بنی صدر بر اساس توافق صورت گرفته محمدعلی رجایی را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی می کند.

نهمین روز شهریور ماه سال ۱۳۵۹ نیز پس از مدت‌ها کش‌وقوس کابینه شهید رجایی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد.

کابینه معرفی شده از سوی شهید رجایی به مجلس شورای اسلامی دارای چنین ترکیبی بود: «وزارت اقتصاد و دارایی محمد نوربخش، سازمان برنامه و بودجه سید اسماعیل داوودی، وزارت بهداشتی دکتر مناف، محمدعلی نیازبخش وزیر مشاور و سرپرست بهزیستی، محمود قندی وزارت پست و تلگراف و تلفن، موسی کلانتری وزیر راه و ترابری، میرحسین مرسوق وزیر امور خارجه، دکتر حسین عارفی وزیر علوم، فرهنگ و هنر، سید اسدالله لاجوردی یا رضا صدر وزارت بازرگانی، مهندس نعمت‌زاده و ارباب صالح، محمد سلامتی وزارت کشاورزی، آقای رجایی نخست‌وزیر سرپرست وزارت آموزش و پرورش، احمد توکلی وزارت کار و امور اجتماعی، بهزاد نوری وزیر مشاور در امور اجرایی، محمد شهاب گنابادی سرپرست مسکن و شهرسازی و وزیر مشاور، حسن عباس‌پور وزیر نیرو، عباس دوزدوزانی وزیر ارشاد ملی، آیت‌الله مهدوی کنی وزیر کشور، اصغر ابراهیمی وزیر نفت».

البته بنی‌صدر با معرفی برخی از این افراد تا حد زیادی به عنوان وزیر به مجلس مخالفت کرده بود که به این موضوع نیز در متن کتاب خواهیم پرداخت. گفتنی است کابینه معرفی شده از سوی نخست‌وزیر جواز به کار و میانگین سن اعضای دولت رجایی ۳۳ سال است. روزنامه اطلاعات در تیر صفحه اول خود این گونه خبر معرفی کابینه جدید را پوشش داده بود: «جوان‌ترین دولت مکتبی و انقلابی جهان پس از صدر اسلام تعیین شد».

ده روز پس از معرفی کابینه به مجلس شورای اسلامی این کابینه از مجلس رأی اعتماد گرفت.

روند منتهی به معرفی شهید رجایی به عنوان نخست وزیر و همچنین معرفی کابینه روندی طولانی بود که در متن کتاب بدان خواهیم پرداخت؛ از بهانه های بنی صدر برای زیربار نرفتن به خواسته نمایندگان و مردم برای معرفی رجایی تا تلاش های شخصیت های بزرگ انقلاب برای دوری از تنش.

مرگ، آوارگی!

پنجمین روز مردادماه سال ۱۳۵۹ سرانجام آخرین شاه ایران پس از ماه ها آوارگی در مصر درگذشت و پس از دو روز در مسجد الرفاعی قاهره دفن شد. مراسم تشییع جنازه در روز پس از درگذشت شاه برگزار شد.

پیکر او به کاخ عابین منتقل شد. همان کاخی که ۵۲ سال قبل مراسم ازدواجش با فوزیه در آن برگزار شده بود.

اردشیر زاهدی، که روزگاری وزیر خارجه و نیز سفیر ایران در امریکا و نیز داماد سابق شاه بود در خاطراتش می نویسد: «پرزیدن انور سادات حق دوستی و برادری را کاملاً به جا آورد. جسد شاه را در تابوتی در روی یک عراده توپ قرار داده شده بود و با اسب کشیده می شد، در یک مسافت پنج کیلومتری از بیمارستان قاهره تا مسجد الرفاعی حمل کردند. تابوت شاه در پرچم سه رنگ ایران پوشانده شده و مدال ها و نشان های شاه روی آن قرار داشتند. در پشت جنازه ریچارد نیکسون (رئیس جمهور اسبق امریکا)، هنری کیسینجر (وزیر امور خارجه اسبق امریکا)، کنستانتین پادشاه سابق یونان، والاحضرت اشرف و شهبانو فرح و بنده به اتفاق همسر سابقم والاحضرت شهنواز و عده ای از رجال بلند پایه امریکایی، انگلیسی و اسرائیلی حرکت می کردیم».

پیکر شاه در مسجد الرفاعی به یک مقبره زیرزمینی تنگی منتقل شد. رضا پهلوی (پسر شاه) و پسر انور سادات با چند نفر دیگر تابوت را حمل کردند.

جنازه رضاشاه نیز که در ۱۳۲۳ در آفریقای جنوبی درگذشت به مدت ۶ سال در مصر و در همین مسجد نگهداری می‌شد. تقدیر محمدرضا شاه هم به مانند سه شاه پس از انقلاب مشروطه، آوارگی و مرگ در خارج از ایران بود؛ او در کشوری دفن شد که روزگاری دامادش بود.^۱

سخنرانی تنش‌زای بنی‌صدر در مراسم ۱۷ شهریور

یکی از ویژگی‌های بنی‌صدر به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور ایران اسلامی سخنرانی‌های جنجالی وی بود که به‌منظور ملت‌بند کردن اوضاع جامعه ایران می‌شد. در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ در یکی از سخنرانی‌های جنجالی خود به سران کشور تاخت و تاز و رچه‌ها خواست بر زبان راند.

بنی‌صدر در این سخنرانی مخالفین خود را مشرک نامید و ریاکارانه گفت: «در دل من که خود را بنی‌امام می‌نامم جز عشق و صمیمیت به امام نیست و در فکر من هیچ نمی‌گذرد جز اینکه خواست او به اجرا درآید. من پنهان نمی‌کنم که به خود او نیز گفته‌ام مسائلی است که من درباره آنها جور دیگری می‌اندیشم، اما هیچ زمان نمی‌شود که من رأی خود را بر رأی او رجحان بدهم. بنابراین از خودم مطمئنم؛ اما از دل امام هم مطمئنم!»^۲

بنی‌صدر همچنین از مخالفان خود خواست که در مقابل نخست‌وزیری تجمع کنند تا قدرشان مشخص شود.^۳

جمعی از اعضای شورای انقلاب که زمان سخنرانی بنی‌صدر در منزل شهید آیت‌الله دکتر بهشتی گرد آمده بودند، به سرعت از سخنرانی تند و تشنج‌آفرین بنی‌صدر باخبر شدند. نخستین عکس‌العمل آنان تماس با امام خمینی بود.

۱- مرور آخرین روزهای شاه/ مرگ داماد مصر در قاهره، تاریخ ایرانی، ۱۲ اسفند ۱۳۸۹

۲- اطلاعات، ۱۸ شهریور ۱۳۵۹، صفحه ۱۵ و ۱۶

هاشمی خاطره این واقعه را بدین گونه ذکر می‌کند: «... سخنرانی بنی‌صدر در ۱۷ شهریور را ما که در منزل شهید بهشتی جمع بودیم از رادیو شنیدیم و همان‌جا به پیشنهاد جمع، من تلفنی از حاج احمد آقا خواستم که از امام درباره جواب گفتن ما به آن اظهارات نظر بدهند و جواب رسید که امام فرموده‌اند با توجه به تخلف بنی‌صدر از دستور حفظ حرمت دیگران، در جواب گفتن آزادیم».

این اظهارات عجیب، که لحنی عصبی و انفجاری داشت، سخت به زیان بنی‌صدر تمام شد. آیت‌الله بهشتی در پاسخ به ادعای بنی‌صدر نسبت به آرای مردم گفت: «مردم در مورد دو نهاد یا شخصیت رأی می‌دهند. یکی در انتخابات رئیس‌جمهور و یکی در انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی. بنابراین باید گفت که مردم بر برنامه ایشان رأی نداده‌اند. مردم رأی داده‌اند و رئیس‌جمهور انتخاب کرده‌اند. چگونه اداره کشور را هم قانون مشخص کرده است نه اینکه هر چه که رئیس‌جمهور گفت باید اجرا شود. طبق قانون، کشور دولت دارد، مجلس دارد و برای اجرای هر برنامه‌ای دولت و مجلس وظایفی دارند و برنامه دارند. بنابراین این برنامه‌ها و وظایف هر نهاد قانونی مشخص است». آیت‌الله بهشتی این سخنان را در حالی به زیاده‌آوردی که تاکنون جز در برابر گروهک‌ها، مواضعی این گونه انتقادی از خود بروز نداد، و وی در آغاز همین سخنان درباره اشاره بنی‌صدر به حاکمیت گروه اقلیت، صریحاً گفت: «اگر منظورشان حزب جمهوری اسلامی بود ... مواضع حزب در قبال رئیس‌جمهور، دولت، مجلس و انقلاب روشن است...»^۱

این مسئله سبب شد تا کابینه شهید رجایی به سرعت رأی اعتماد بگیرد. مجلس بدین وسیله موضع خود در برابر رئیس‌جمهور را به وی تفهیم کرد.